

## بررسی انتقادی کتاب «گزیده‌هایی درباره سیاست جهانی: موضوعات، بازیگران و مسائل»

علی باقری دولت‌آبادی<sup>۱</sup>

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر، نقد کتاب «گزیده‌هایی درباره سیاست جهانی: موضوعات، بازیگران و مسائل» به عنوان یکی از کتب دانشگاهی حوزه تخصصی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است. این کتاب به بررسی چالش‌ها و تحولات کلیدی در عرصه سیاست بین‌الملل می‌پردازد و شامل مقالاتی از نویسندگان برجسته مانند جوزف نای، جی ایکنبری و جیمز پتراس است. علی ابوطالبی نویسنده و ویراستار کتاب تلاش کرده است با گردآوری این مقالات درک عمیق‌تری از روابط جهانی و تأثیرات آن بر زندگی روزمره افراد ارائه دهد. برای نقد کتاب از روش تحلیل انتقادی و شاخص‌های ده‌گانه منصوریان استفاده شده است. بهره‌گیری نویسندگان مقالات از جدول، نمودار و عکس برای توضیح مطالب کتاب، استفاده از منابع معتبر و کافی، پرداختن به موضوعات اصلی سیاست جهانی و روان و سلیس بودن سبک نوشتاری اثر موجب شده است که کتاب برجستگی علمی خاصی یابد. با این حال، اثر مورد بررسی با کاستی‌هایی نیز مواجه است که شامل عدم عمق تحلیل در برخی مقالات، عدم پرداختن به جزئیات مهم و نادیده گرفتن موضوعات نوین مانند هوش مصنوعی، بازیگران غیردولتی و تأثیرات آن بر سیاست جهانی است. همچنین، مقاله‌های انتخاب شده فاقد سؤالات پژوهشی و فرضیه‌های مشخص هستند که می‌تواند به غنای علمی اثر آسیب بزند. این نقدها نشان‌دهنده نیاز به بازنگری در محتوای کتاب و گنجاندن مباحث جدیدی است که به درک بهتر دینامیک‌های پیچیده جهانی کمک کند. در نهایت، این کتاب می‌تواند به عنوان منبعی مفید برای اساتید و دانشجویان در زمینه سیاست جهانی استفاده شود، اما نیاز به توسعه و به‌روزرسانی دارد تا بتواند به چالش‌های معاصر پاسخ دهد.

کلیدواژه‌ها: سیاست بین‌الملل، سیاست جهانی، قدرت، منازعه، نقد کتاب سیاست جهانی.

---

۱. استاد، گروه علوم سیاسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران. ایمیل: abagheri@yu.ac.ir

## A Critical Review on the Book “Global Politics Reader: Themes, Actors, and Issues”

Ali Bagheri Dolatabadi<sup>1</sup>

Received:2024-09-14, Accepted:2024-10-21

### Abstract

The objective of the present research is to critique the book "Global Politics Reader: Themes, Actors, and Issues" as a significant academic resource in the field of political science and international relations. This book examines key challenges and developments in international politics and features articles by prominent authors such as Joseph Nye, G. John Ikenberry, and James Petras. The author and editor, Ali Abootalebi, aims to provide a deeper understanding of global relations and their impacts on individuals' daily lives through the compilation of these articles. The critique employs a critical analysis methodology alongside Mansourian's ten indicators. The authors' use of tables, charts, and images to elucidate the content, along with the incorporation of credible and sufficient sources, addressing core issues of global politics, and the clarity and fluency of the writing style contribute to the book's notable academic significance. However, the book also faces shortcomings, including a lack of depth in analysis in certain articles, insufficient attention to important details, and the neglect of contemporary topics such as artificial intelligence, non-state actors, and their implications for global politics. Furthermore, the selected articles lack clearly defined research questions and hypotheses, which could undermine the scholarly richness of the work. These critiques underscore the need for a revision of the book's content and the inclusion of new discussions that would enhance understanding of complex global dynamics. Ultimately, this book can serve as a valuable resource for educators and students in the field of global politics; however, it requires further development and updates to adequately address contemporary challenges.

**Keywords:** International Politics, Global Politics, Power, Conflict, Global Politics Book Review.

---

<sup>1</sup> Professor in International Relations, Department of Political Science, Yasouj University, Yasouj, Iran, Email: [abagheri@yu.ac.ir](mailto:abagheri@yu.ac.ir)

## ۱. مقدمه

فهم و تحلیل سیاست بین‌الملل نه تنها برای سیاستمداران و متخصصان، حتی برای افرادی عاد نیز همواره جذاب بوده است. این جذابیت حداقل دو دلیل مهم دارد؛ نخست این که، تمامی شهروندان هر آنچه را در این حوزه می‌گذرد به نوعی بر زندگی و سرنوشت خود تأثیرگذار می‌دانند و حتی برخی از آن‌ها تأثیر نظام بین‌الملل را بیش از تحولات سیاسی داخل ارزیابی می‌کنند. این مسئله در کشورهای در حال توسعه به ویژه در آفریقا و آمریکای لاتین که همچنان با انواع مختلفی از کودتاها و ناآرامی‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کنند بیشتر شایع است. دوم این که، رخدادهای این عرصه با نوعی پیچیدگی، ابهام و دشواری توأم است و کشف رازهای آن نیازمند روش، نظریه و داده‌های فراوان است. فارغ از موضوع فوق، تأثیرگذاری رخدادهای سیاسی داخلی و بین‌المللی بر یکدیگر و نقش مهم و سرنوشت‌ساز بودن راهبردها و برنامه‌های سیاست قدرت‌های بزرگ بر تحولات جهانی (هیل، ۱۳۸۷: ۲۲۴-۲۵۹) باعث گردیده تا مطالعهٔ سیاست بین‌الملل به یکی از موضوعات پرطرفدار بین‌المللی تبدیل شود.

پیشینهٔ تأسیس رشتهٔ روابط بین‌الملل به عنوان یک رشتهٔ مستقل، مجزا و منسجم به بعد از جنگ جهانی اول بازمی‌گردد. در واقع، «تجربه مصیبت‌بار جنگ جهانی اول و جنگ‌های متعدد و ویرانگر گذشته، موجب شد که موضوع جنگ و صلح در مرکز توجه محققان قرار گیرد» (برزگر، ۱۳۸۸: ۴). به گفتهٔ ای. اچ. کار: «علم سیاست بین‌الملل از درون جنگی بزرگ و ویران‌کننده ظهور کرد. آرزوی جلوگیری از جنگ بر کل دوران اولیهٔ مطالعات سیاست بین‌الملل حاکم بود و آن را هدایت می‌کرد» (کار<sup>۱</sup>، ۱۹۳۹: ۸).

دانشگاه آبرست‌ویت اولین دانشگاهی بود که در ولز<sup>۲</sup> کرسی صلح را به افتخار وودرو ویلسون، رئیس‌جمهور آمریکا که بیشترین سهم را در پایان یافتن جنگ جهانی اول ایفا کرد، راه‌اندازی نمود و دست به مطالعهٔ عمیق و جدی ریشه‌های جنگ و راه‌های دستیابی به صلح زد (سیف‌زاده، ۱۳۷۸: ۱۹). پس از آن، این رشته به سرعت در دانشگاه‌های دیگر شروع به رشد و گسترش نمود. در این دوره، مطالعات روابط بین‌الملل با مطالعهٔ تاریخ روابط بین‌الملل شروع شد. دوره‌ای که آغاز آن به ۱۶۴۸ و معاهدهٔ وستفالی بازمی‌گشت که به ظهور دولت

1. Carr  
2. Wales

منجر گردید. این معاهده به جنگ‌های ۳۰ ساله اروپاییان پایان داد و سرآغاز تشکیل نظام دولت‌های اروپایی شد. «از زمان امضای معاهدات وستفالی در ۳۵۰ سال پیش، عرصه سیاست جهانی شاهد تحولات فراوانی بوده است. گسترش فرایند سکولاریزه شدن سیاست جهانی، گسترش اصول و ابزارهای حقوق بین‌الملل، تشکیل نهادهای فراملی از جمله کنگره وین (۱۸۱۵)، جامعه ملل (۱۹۱۹)، و سازمان ملل متحد (۱۹۴۵) را می‌توان مهم‌ترین تحولات دوران مدرن دانست» (ساتچ و الیاس، ۱۳۹۴: ۱۹).

در طول بیش از نیم قرن گذشته، مجموعه متنوعی از نظریه‌های روابط بین‌الملل از آرمان‌گرایی تا سازه‌نگاری برای فهم و تحلیل سیاست بین‌الملل عرضه شده است. نظریه پردازان آن‌ها را در گروه‌های مختلف دسته‌بندی نموده‌اند. بری بوزان نظریه‌های روابط بین‌الملل را در سه گروه محافظه‌کاری، لیبرالیسم و مارکسیسم جای می‌دهد (ویوتی و کائویی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۳). کریس براون از نظریه‌های هنجاری و غیرهنجاری سخن می‌گوید (براون<sup>۲</sup>، ۱۹۹۲). جیمز روزنا حوزه‌های اصلی نظری را شامل سه رهیافت دولت‌محور، چندمحور و جهان‌محور می‌داند (روزنا<sup>۳</sup>، ۱۹۸۲). با وجود همه این دسته‌بندی‌ها، رایج‌ترین و پرکاربردترین دسته‌بندی این نظریات را ذیل سه گروه واقع‌گرایی، لیبرالیسم و مارکسیسم قرار می‌دهد (تایار<sup>۴</sup>، ۲۰۱۸: ۱). مقصود تمام نویسندگانی که چنین دسته‌بندی‌هایی عرضه کرده‌اند این بوده است که گامی در فهم و تحلیل بهتر سیاست بین‌الملل بردارند. راهی که همچنان پر رهرو و ادامه‌دار است. کتاب برگزیده‌های سیاست جهانی اگرچه اثری نظری درباره روابط بین‌الملل محسوب نمی‌شود، اما گامی در جهت تولید ادبیات سیاست بین‌الملل است.

## ۲. دلیل انتخاب اثر

در حال حاضر، در بخش کتاب‌های تالیفی درباره سیاست بین‌الملل، سه کتاب با عنوان اصلی یا فرعی سیاست بین‌الملل در بازار نشر ایران وجود دارد. نخست، کتاب اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل اثر عبدالعلی قوام (۱۳۸۲)، دوم، کتاب مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل اثر

- 
1. Viotti and Kauppi
  2. Brown
  3. Rosenau
  4. Tayyar

کی. جی هالستی (۱۳۹۲) و سوم، کتاب *سیاست بین‌الملل اثر طاهره ابراهیمی فر* (۱۳۸۸). هر سه کتاب به مبانی و اصول شکل‌دهندهٔ سیاست بین‌الملل اشاره کرده‌اند و صرفاً جنبهٔ آموزشی برای درس مبانی و اصول روابط بین‌الملل در مقطع کارشناسی دارند. از آخرین به‌روزرسانی این کتاب‌ها نیز سال‌ها گذشته است و مثال‌های آورده شده در این کتاب‌ها بیشتر مربوط به دوران جنگ سرد و فضای حاکم بر آن دوران است و عطش دانشجویان برای فهم تحولات کنونی جهان سیاست را برطرف نمی‌سازد. در مقطع کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل نیز چندین کتاب به عنوان منبع برای مطالعهٔ سیاست بین‌الملل استفاده می‌شود. تا قبل از ترجمهٔ کتاب *نظریهٔ سیاست بین‌الملل اثر کنت والتس* (۱۳۹۷)، *نظریه‌پرداز نظریهٔ واقع‌گرایی ساختاری* (نواضع‌گرایی)، کتاب *رژیم‌های بین‌المللی اثر ابو محمد عسگرخانی* (۱۳۸۳) و کتاب *سیاست میان‌ملتها اثر هانس مورگنتا* (۱۳۸۴) دو اثر پر استقبال در این حوزه بودند. به موازات این آثار، برخی کتاب‌های دیگر تحت عنوان سیاست جهانی نیز ترجمه شدند که هیچ‌یک نتوانستند جای خود را در بازار نشر بیابند. کتاب *سیاست جهانی: نظریه، بازیگران و تعاملات امنیتی اثر ژولیه کاربوف و جیمزلی رای* (۱۳۹۲) و *سیاست جهانی: محدودیت‌ها و فرصت‌های انتخاب اثر بروس راست، و هاروی استار* (۱۳۸۱) از جمله این آثار بودند. اگرچه دو کتاب اخیر به نسبت کتاب‌های پیشین عامه‌پسندتر هستند و طیف موضوعاتی که دربر گرفته‌اند گسترده‌تر است، اما گذر زمان موجب شده است تا محتوای آن‌ها رنگ تاریخی به خود گیرد و قادر به توضیح تحولات جاری جهانی برای مخاطب نباشند.

کتاب *گزیده‌هایی دربارهٔ سیاست جهانی: موضوعات، بازیگران و مسائل* از چند زاویه نسبت به آثار پیشین ارجحیت دارد. نخست اینکه، در نگارش آن از قلم اساتید برجسته و شناخته شدهٔ رشتهٔ روابط بین‌الملل همچون جوزف نای، جی ایکنبری، استفان بروکز و ویلیام ولفرز بهره گرفته شده است که نمایندگان مکاتب نظری پرآوازهٔ روابط بین‌الملل هستند. دوم اینکه، طیف فکری نویسندگان مقالات متنوع و متکثر است. به نحوی که هم طرفداران لیبرالیسم (جوزف نای و جان ایکنبری) را می‌توان در آن یافت و هم طرفداران اندیشه‌های چپ و ضد سرمایه‌داری را (جیمز پتراس) و این به خواننده قدرت مقایسه و تحلیل بیشتری می‌بخشد. سوم اینکه، دسته‌بندی بخش‌های کتاب به نحوی است که در عین حال که موضوعات اصلی سیاست بین‌الملل را دربر می‌گیرد، روند وقایع را نیز تا سال ۲۰۲۴ میلادی دنبال می‌نماید و از این منظر کاملاً به‌روز و جدید است.

### ۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر بر آن است که از طریق روش تحلیل انتقادی، کتاب گزیده‌هایی دربارهٔ سیاست جهانی: موضوعات، بازیگران و مسائل را بررسی کند. فرایند تحلیل انتقادی شامل پنج گام درک مطلب، مقایسه، تحلیل، ارزشیابی و دسته‌بندی مفهومی است (رحیمی‌نژاد، ۱۴۰۲: ۲۵۰). شاخص‌های ده‌گانهٔ منصوریان (۱۳۹۲) شامل تخصص‌گرایی و هدفمندی موضوعی، توان نظری و دلالت‌های کاربردی، توان استنادی و ماهیت میان‌رشته‌ای، جامعیت و روزآمدی، صلاحیت و کارنامهٔ پدیدآورندگان، پاکیزگی نگارشی و ادبی، انسجام محتوایی و ساختاری، همخوانی با نظریات یادگیری، ماهیت تعاملی و توان انگیزشی، و ویژگی‌های فیزیکی و ظاهری است.

### ۴. معرفی شکلی کتاب

اثر پیش‌رو مجموعه مقالاتی از نویسندگان سرشناس بین‌المللی در حوزهٔ روابط بین‌الملل است که علی ابوطالبی، استاد خاورمیانه و سیاست جهانی دانشگاه ویسکانسین، آن را گردآوری و در چهار فصل و ۱۷ مقاله دسته‌بندی کرده است. این کتاب که انتشارات دانشگاهی کنگلا<sup>۱</sup> آن را در سال ۲۰۲۴ منتشر کرده، به نسبت چاپ اول آن در سال ۲۰۱۹ کامل‌تر و به‌روزتر و دربرگیرندهٔ ۹ مقالهٔ جدید است. همهٔ مقالات انتخاب شده در اینجا برگرفته از موضوعات یا حوزه‌های سیاست‌گذاری است که همواره دغدغهٔ جامعهٔ جهانی بوده‌اند. سیاست قدرت‌های بزرگ، نزاع‌های قومی، ملی‌گرایی، حکومت‌های استبدادی، نقش سازمان‌ها و حقوق بین‌الملل، دموکراسی، حکمرانی خوب، و چالش‌های پیش‌روی اقتصاد سیاسی بین‌الملل (مانند تجارت، امنیت انسانی و محیط‌زیست)، همگی در این اثر بررسی شده‌اند. کتاب در ۲۸۶ صفحه و به دو صورت فیزیکی و الکترونیک در اختیار خوانندگان قرار گرفته است. قیمت پشت جلد کتاب ۱۱۲ دلار و ۹۵ سنت است که نسخهٔ الکترونیک آن با تخفیف ۱۹ درصد به قیمت ۹۰ دلار و ۹۵ سنت در انتشارات کنگلا، برخط عرضه می‌شود.

## ۵. معرفی محتوایی کتاب

در این بخش به مرور محتوای فصول کتاب پرداخته می‌شود. از آنجا که کتاب شامل چهار فصل است، به مرور کوتاه مقالات بسنده می‌شود تا خوانندگان با کلیات بحث آشنا شوند و در صورت علاقه‌مندی متن کامل کتاب را بخوانند.

### ۱-۵ فصل اول: قدرت‌های بزرگ و مسائل مهم بین‌المللی

در مقالهٔ نخست با عنوان «قدرت در امور جهانی چیست؟»، جوزف نای قدرت را مفهومی سخت و فرار برای سنجیدن معرفی می‌نماید و جایگاه آن در سیاست را بررسی می‌کند. او به تعریف قدرت برحسب منابع و رفتار می‌پردازد و برای قدرت سه چهره (سخت، نرم و هوشمند) قائل می‌شود. او اظهار می‌دارد که یک سیاست‌گذار باید قبل از روی آوردن به چهرهٔ اول یا فرمان دادن، شکل دادن ترجیحات و تعیین دستور کار را به عنوان ابزاری مطلوب برای ایجاد یک محیط مساعد در نظر بگیرد. کسانی که بر فروکاستن بعد دوم و سوم قدرت به بعد اول اصرار دارند، یک جنبهٔ فزایندهٔ مهم قدرت در این قرن را از دست خواهند داد. به همین دلیل توصیهٔ وی به آمریکا دور شدن از تمایل همیشگی‌اش به تمرکز بر چهرهٔ اول قدرت و توجه به قدرت هوشمند است (نای<sup>۱</sup>، ۲۰۲۴: ۳-۲۱).

در مقالهٔ دوم «چرا قدرت آمریکا دوام می‌آورد؟»، جی جان ایکنبری تصور رایج دربارهٔ افول آمریکا در عصر جدید را به چالش می‌کشد. او معتقد است این روایت افراطی از افول، تأثیرات و شرایط عمیق‌تر تاریخی - جهانی را نادیده می‌گیرد؛ تأثیرات و شرایطی که همچنان ایالات متحده را به حضور غالب و سازمان‌دهندهٔ سیاست جهانی در قرن بیست و یکم تبدیل خواهد کرد. او اصرار دارد که منابع ریشه‌دار قدرت و نفوذ آمریکا در جهان همچنان پابرجاست. قدرت ایالات متحده نه فقط بر زور و اسلحه بلکه بر ایده‌ها، نهادها و ارزش‌هایی استوار است که در تار و پود مدرنیته تنیده شده‌اند. جذابیت ایده‌ها، نهادها و ظرفیت‌هایش برای شکل دادن همکاری و اتحاد، آن را به نیرویی ضروری در سال‌های آینده تبدیل می‌سازد. این امر همواره راز قدرت و نفوذ آن بوده است و می‌تواند باقی بماند. به اعتقاد وی، هیچ قدرت بزرگ دیگری جز آمریکا در موقعیت بهتری برای شکل دادن همکاری لازم بین بازیگران و برعهده گرفتن رهبری مقابله با مشکلات عمده

1. Nye

قرن بیست و یکم نیست. او تأکید می‌کند که ممکن است قدرت‌های دیگری در حال ظهور باشند، اما جهان نمی‌تواند پایان دوران آمریکا را تحمل کند (ایکنبری<sup>۱</sup>، ۲۰۲۴: ۳۵-۲۲).

در مقاله سوم «افسانه چندقطبی: قدرت ماندگار آمریکا»، استفان بروکز و ویلیام ولفورث، اساتید کالج دارتموث، بحث خود را با این گزاره مشهور و بحث‌برانگیز آغاز می‌کنند که «لحظه تک‌قطبی به پایان قطعی رسیده است». به اعتقاد آن‌ها، بسیاری از تحلیلگران با اشاره به میزان رشد اقتصاد چین، جهان را دو قطبی اعلام کرده‌اند. حتی، برخی استدلال می‌کنند که جهان در آستانه گذار به ساختار چندقطبی است و چه بسا تا الان محقق شده باشد. اساس استدلال آن‌ها در مقاله این است که جهان نه دو قطبی است و نه چندقطبی و نه در آستانه تبدیل شدن به نظامی متفاوت. به اعتقاد آن‌ها، سلطه ایالات متحده در ۲۰ سال گذشته کاهش یافته است، اما با این حال، همچنان این کشور در رأس سلسله‌مراتب قدرت جهانی قرار دارد، یعنی فراتر از چین و هر بازیگر دیگری است. آن‌ها با آوردن مثال‌های تاریخی درباره آلمان و ژاپن می‌کوشند اثبات کنند که اگرچه تجدیدنظرطلبی چین در قیاس با روسیه قابلیت‌های کلی بیشتری دارد، اما موفقیت‌های آن‌ها در گستره وسیع تاریخ کم است. این کشور در گیر بحران‌های ارضی در مناطق پیرامون خود در دریای چین جنوبی، هنگ‌کنگ و تایوان است و فاقد قدرت نظامی قوی برای تغییر دادن معادلات نظام بین‌المللی است (بروکز و ولفورث<sup>۲</sup>، ۲۰۲۴: ۴۹-۳۵).

جیمز پتراس<sup>۳</sup>، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه بینگهمتون نیویورک، در مقاله چهارم با عنوان «پنجاه سال جنگ‌های امپراتوری» توضیح می‌دهد در طول پنجاه سال گذشته، آمریکا و اروپا در گیر جنگ‌های امپراتوری بی‌شماری در سراسر جهان شده‌اند. تمامی این جنگ‌ها، در پوشش شعار «رهبری جهانی» انجام شده و پیامدهایش برای مردم کشورهای جنگ‌زده، ویرانگر بوده است. بزرگ‌ترین، طولانی‌ترین و پرتعدادترین این جنگ‌ها را ایالات متحده انجام داده است و رؤسای جمهور هر دو حزب جمهوری خواه و دموکرات در آن مشارکت داشته‌اند. به باور وی، علت امپراتوری‌سازی آمریکا در نیم قرن گذشته در ساختارهای قدرت سیاسی، نظامی و ایدئولوژیکی این کشور نهفته است. ساختارهایی که پیوسته آن را تشویق به کنترل اهرم‌های دولت امپراتوری کرده است. استراتژیست‌های

1. Ikenberry  
2. Brooks & Wohlforth  
3. James Petras

نظامی، مدافعان منافع استعماری اسرائیل در خاورمیانه، ارتش‌های مزدور و شرکت‌های اطلاعاتی بازیگران کلیدی دولت امپریالیستی آمریکا هستند و نفوذ آن‌ها در ساختار تصمیم‌گیری این کشور به خوبی نشان می‌دهد که چرا جنگ‌های امپریالیستی ایالات متحده به ثبات سیاسی و شکوفایی اقتصادی در کشورهای هدف منجر نمی‌شود. نویسنده در مقاله به دنبال بررسی روش‌ها، انگیزه‌ها و نتایج گسترش امپراتوری آمریکا است (پتراس، ۲۰۲۴: ۴۹-۶۳).

در مقاله پنجم با عنوان «روابط چین و روسیه: سیاست متحدان بی‌میل»، یو بین<sup>۱</sup>، استاد علوم سیاسی و مدیر مطالعات شرق آسیا در دانشگاه ویتنبرگ، توضیح می‌دهد روابط چین و روسیه هم فوق‌العاده و هم عادی بوده است. از یک سو، دو طرف آشکارا اما با اکراه، در مسیر هماهنگی امنیتی - استراتژیک بیشتر برای خنثی کردن فشار فزایندهٔ ایالات متحده و متحدانش گام برداشته‌اند و از سوی دیگر، تعامل با یکدیگر در قالب راهبردهای همکاری، رقابت و سازش برای تأمین منافع و نفوذ در طیف گسترده‌ای از زمینه‌ها از جمله تجارت، سرمایه‌گذاری و توسعهٔ منطقه‌ای را در پیش گرفته‌اند. هر دو کشور روابط بین خود را بی‌سابقه، بهترین روابط تاکنون، و مبتنی بر اعتماد به همدیگر توصیف می‌کنند که در قالب‌هایی همچون «جامع» و «استراتژیک» جای می‌گیرد. به اعتقاد نویسنده، این روابط بیشتر «همسویی استراتژیک»<sup>۲</sup> است تا یک اتحاد<sup>۳</sup> و آن‌ها نمی‌توانند اختلافات متعدد خود دربارهٔ ساختار شانگهای، پیوستن اعضای جدید، بحران‌های منطقه‌ای و... را پنهان سازند (بین، ۲۰۲۴: ۶۳-۷۸).

## ۲-۵ فصل دوم: منابع منازعه در جهان

در مقالهٔ نخست، علی ابوطالبی به بررسی یکی از طولانی‌ترین بحران‌های منطقهٔ خاورمیانه می‌پردازد. او در اثر خود با عنوان «منازعهٔ اعراب - فلسطین و اسرائیل»، این منازعه را متأثر از عوامل چندبعدی از جمله مذهب، قومیت، استعمار، ملی‌گرایی و سیاست در سطوح محلی، منطقه‌ای و جهانی می‌داند. با این حال، به طور خاص بر این مسئله تأکید می‌کند که عدم توازن قوا بین ناسیونالیسم در حال رقابت عرب و یهود از اواخر دههٔ ۱۸۰۰، سیر وقایع در فلسطین را به زیان ناسیونالیسم عربی - فلسطینی و ظهور یک دولت قوی یهودی پیش

---

1. Yu Bin  
2. Strategic Alignment  
3. Alliance

برده است. به اعتقاد او، سه دلیل اصلی برای توضیح بن‌بست کنونی در حل منازعهٔ اعراب و اسرائیل در قرن بیستم وجود دارد. نخست، دولت‌های عربی آنقدر نالایق و فاسد بوده‌اند که نتوانسته‌اند از طرف ملت‌های خود و در دفاع از منافع فلسطین مذاکره کنند. آن‌ها همواره منافع خود را بر منافع فلسطین ترجیح داده‌اند. دوم، دولت‌های حاکم بر اسرائیل، در جنگ یا در مذاکرات، همیشه دست بالا را داشته‌اند و این امکان را یافته‌اند که شرایط «تسلیم را به فلسطینی‌ها» دیکته و در عین حال تهدیدات امنیتی کشورهای عربی را خنثی کنند. سوم، ایالات متحده هیچ‌گاه نقش یک میانجیِ ثالثی بی‌طرف را بازی نکرده است. در نتیجهٔ شرایط فوق، آنچه در پس‌زمینه در حال پیگیری و وقوع است، نه راه‌حل پذیرش دو دولت، بلکه راه‌حل تک‌دولتی به سود اسرائیل است (ابوطالبی<sup>۱</sup>، ۲۰۲۴: ۹۱-۸۱).

در مقالهٔ دوم با عنوان «بازگشت روز قیامت: مسابقهٔ تسلیحات هسته‌ای جدید»، ارنست جی. مونیز و سام نون، دو سیاستمدار آمریکایی متعلق به جناح دموکرات، به خطرات ظهور رقابت تسلیحاتی بین روسیه و آمریکا می‌پردازند. به اعتقاد آن‌ها، ایالات متحده و روسیه اکنون در وضعیت بی‌ثباتی استراتژیک قرار دارند. یک اتفاق ساده می‌تواند فاجعه‌ای را رقم بزند. در حالی که در دوران جنگ سرد دو طرف توانستند مجموعه‌ای از پیمان‌های کاهش تسلیحات را امضا نمایند، در دورهٔ ترامپ جهان شاهد خروج هر دو طرف از معاهدات سابق بود. نتیجهٔ این رویداد، درگیری طرفین در جنگ اوکراین و بی‌ثباتی سیاسی در جهان است. توصیهٔ نویسندگان این است که رهبران واشنگتن و دیگر پایتخت‌های ناتو، باید با روسیه بر اساس درک روشنی از تفاوت‌هایشان، تعامل کنند. در عین حال، باید به خاطر داشته باشند که هرگونه گفت‌وگو باید مبتنی بر شناخت منافع حیاتی مشترک در جلوگیری از استفاده از سلاح‌های هسته‌ای باشد (مونیز و نون<sup>۲</sup>، ۲۰۲۴: ۹۲-۱۰۱).

علی ابوطالبی در مقالهٔ سوم با عنوان «افکار عمومی و مداخله‌گرایی نظامی ایالات متحده، و متمم اول قانون اساسی»، توضیح می‌دهد رؤسای جمهور ایالات متحده بارها جنگ‌هایی را با موافقت ضمنی کنگره و روایت‌های تحریف شده از اصل موضوع به قیمت مشارکت سیاسی شهروندان در روند سیاسی و به ضرر حقوق متمم اول قانون اساسی به راه انداخته‌اند. حمایت مردمی از چنین مداخلاتی امری ظاهری و صوری بوده و در اصل

1. Abootalebi  
2. Moniz & Nunn

میلیون‌ها شهروند آمریکایی از حقایق حیاتی و اطلاعاتی که به آن‌ها امکان قضاوت صحیح در مورد استفادهٔ کشورشان از اقدامات قهری، از جمله مداخلات نظامی آشکار می‌داده است، محروم گشته‌اند. به اعتقاد وی، روایات نادرست ساخته شده توسط تشکیلات سیاست خارجی آمریکا، مداخلات نظامی این کشور را مشروع جلوه داده و آزادی بیان میلیون‌ها شهروند را از طریق قطع ارتباط بین مقامات و مردم از بین برده است. همچنین به اعتقاد وی، رسانه‌ها نقش مؤثری در اغفال‌سازی مردم آمریکا ایفا کرده‌اند و این امر می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر آیندهٔ دموکراسی در این کشور بگذارد (ابوطالبی، ۲۰۲۴: ۱۰۲-۱۱۲).

دنیل دبلیو درزرنر<sup>۱</sup>، استاد سیاست بین‌الملل دانشگاه‌های شیکاگو و کلرادو، در مقالهٔ چهارم با عنوان «خطرات بدبینی: چرا دولت‌های نگران، دولت‌های خطرناکی هستند؟»، به این مسئله می‌پردازد که رهبران سیاسی چه تصویری از آیندهٔ جهان و جایگاه خود در آن دارند. طبق استدلال او، پاسخ این سؤال در شکل دادن تصمیمات آن‌ها و روند وقایع بسیار مهم خواهد بود. اگر رهبران بر این باور باشند که آینده نامطلوب به نظر می‌رسد، و سوسه می‌شوند تا اقدامات مخاطره‌آمیزی در زمان حال انجام دهند تا از زوال بیشتر کشورشان جلوگیری کنند. رهبران این کشورها بیشترین توجه خود را بر منابع نظامی و اقتصادی موجود و تلاش‌های مجدانه برای افزایش آن‌ها متمرکز خواهند کرد. در مقابل، دولت‌هایی که توقع و انتظارشان نسبت به آینده خوشبینانه و مثبت است، در اشکال قدرتی سرمایه‌گذاری می‌کنند که نتیجه‌بخش بودن آن زمان بیشتری را می‌طلبد. این قدرت‌ها عبارت‌اند از: حکومت جهانی، دیپلماسی فرهنگی، اتحادها و مشارکت‌های طولانی‌مدت، نوآوری‌های تکنولوژیکی در حوزهٔ فضایی و غیره.

به اعتقاد نویسنده در طول دو دههٔ اول قرن بیست‌ویکم، چین به عنوان یک قدرت بزرگ، خوش‌بینانه اندیشید و در این سال‌ها اقتصاد این کشور به سرعت رشد کرد. این کشور با پیوستن به «جنگ علیه تروریسم» تحت رهبری ایالات متحده، توانست در حالی که ایالات متحده بر خطرات فوری‌تر متمرکز بود، جایگاه خود را بهبود بخشد. با این حال، زمانی که شی جین‌پینگ، رهبر چین، قدرت خود را تثبیت کرد؛ خوش‌بینی پکن رو به کاهش نهاد که این روند می‌تواند نگران‌کننده باشد. به اعتقاد وی، چین و ایالات متحده به

1. Daniel W. Drezner

چشم‌اندازهای منفی از آینده روی آورده‌اند و همین امر باعث می‌گردد که از تیره شدن بیشتر چشم‌انداز آن‌ها بترسیم. همچنین، جنگ اوکراین جلوه دیگری از بدبینی پوتین نسبت به طرح و برنامه‌های غرب برای گسترش ناتو به شرق است. بر این اساس، اگر قدرت‌های بزرگ تسلیم بدبینی شوند، جهان با یک دهه خطرناک روبه‌رو خواهد شد (درزبر، ۲۰۲۴: ۱۱۳-۱۲۲).

### ۳-۵ فصل سوم: منابع صلح در جهان

در مقاله نخست با عنوان «آیا آینده‌ای برای سازمان ملل وجود دارد؟»، کارن آ. مینگست، مارگارت پی. کارنز، و آلینا جی. لیون<sup>۱</sup> رویه‌هایی را که سازمان ملل در بیش از هفتاد سال گذشته در آن‌ها تغییراتی ایجاد کرده، بررسی و مواردی را که در آن شکست خورده است، شناسایی می‌کنند. آن‌ها عواملی را بررسی می‌کنند که بر موفقیت‌ها و شکست‌های این سازمان تأثیرگذار بوده‌اند و به این پرسش می‌پردازند که آیا در واقع، سازمان ملل می‌تواند برای ایفای نقشی قوی‌تر در حکمرانی جهانی اصلاح شود یا خیر؟ آن‌ها معتقدند ما فقط با یک سازمان ملل متحد سروکار نداریم، بلکه با سه سازمان ملل متحد سروکار داریم که هر یک در شکل‌دهی به آنچه سازمان ملل انجام می‌دهد، سهم هستند. این سازمان‌ها عبارت‌اند از: سازمان ملل متحد دولت‌ها، سازمان ملل متحد کارکنان، و سازمان ملل متحد سازمان‌های غیردولتی، کارشناسان و مشاوران که ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند. به اعتقاد آن‌ها، این سومین سازمان ملل است که به دلیل تمرکز طولانی مدت روابط بین‌الملل بر اصل دولت‌محوری، بیشتر مورد غفلت محققان، دیپلمات‌ها و دولت‌ها قرار گرفته است و از قضا همین سازمان ملل است که در سال‌های اخیر رشد چشمگیری داشته است. هر سه سازمان ملل بر آنچه سازمان ملل اصلی در طول سال‌ها انجام داده و یا نتوانسته است انجام دهد، تأثیر گذاشته‌اند، اگرچه مسلماً تفکیک بین آن‌ها در حوزه یکی از دستاوردهای اصلی سازمان ملل، یعنی پیشبرد ایده‌های جدید، دشوار است. به باور نویسندگان، انجام اصلاحات اساسی در سازمان ملل متحد مستلزم آن است که کشورهای عضو - اعم از قدرتمند و ضعیف - مایل به دادن امتیازات بزرگ باشند. طبق استدلال آن‌ها، سازمان ملل باید دست به اصلاحات بزند تا بتواند نیازهای حکمرانی و چالش‌های حاکمیت

1. Karen A. Mingst, Margaret P. Karns, and Alynna J. Lyon

فرسایش یافته را برآورده کند، دولت‌ها و ائتلاف‌هایی را که قادر و مایل به رهبری باشند بیابد، و مشارکت‌هایی ایجاد کند که منابع انسانی و مالی مورد نیاز برای رسیدگی به شرایط جهانی معاصر را فراهم کنند. اگر به این معماها رسیدگی نشود، سازمان ملل به طور فزاینده‌ای بی‌خاصیت خواهد شد (مینگست، کارنز و لیون، ۲۰۲۴: ۱۲۵-۱۳۶).

در مقاله دوم این بخش با عنوان «امنیت انسانی به عنوان پیش شرط توسعه»، کواسی نسیاه گیاباه<sup>۱</sup>، معاون کالج فناوری آنجلس در کشور غنا، به سه موضوع می‌پردازد. نخست، به بررسی معانی و دامنه امنیت و توسعه انسانی. دوم، دیدگاه‌های جدید در خصوص امنیت و توسعه انسانی و پیوندهای بین آن‌ها. سوم، ارائه‌ی پیش‌نیازهایی برای دستیابی به امنیت انسانی و توسعه پایدار. هدف اصلی وی از نگارش مقاله، فراهم کردن نقطه‌ی عطفی برای محققان و سیاست‌گذاران برای تدوین خط‌مشی‌ها و اجرای برنامه‌های عملی است که به تهدیدات حیاتی و فراگیر در خصوص امنیت انسانی و توسعه پایدار در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای و محلی بپردازند. به اعتقاد وی، تعاریف اخیر امنیت انسانی بر حفاظت و امنیت افراد، حقوق و آزادی‌های اساسی، برابری جنسیتی و ارتقای رفاه شهروندان تأکید دارد. در این بستر، به جای حفاظت از مرزهای سرزمینی، نیازهای امنیتی انسان در اولویت قرار می‌گیرد. او معتقد است، امنیت و توسعه انسانی ارتباط نزدیکی با هم دارند زیرا به دنبال اهداف یکسانی هستند. این اهداف عبارت‌اند از: تضمین سلامتی انسان، غذای کافی، بهداشت، آموزش، برابری جنسیتی، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، حکمرانی خوب، کرامت انسانی و کنترل افراد بر زندگی و سرنوشت خود. نویسنده امنیت انسانی را پیش شرط توسعه معرفی می‌کند و نتیجه می‌گیرد از یک سو، توسعه پایدار در شرایط منازعه یا ناامنی انسانی غیرممکن است، زیرا منازعه افراد آسیب‌پذیر، به‌ویژه زنان و کودکان را در معرض گرسنگی، فقر و محرومیت قرار می‌دهد. از سوی دیگر، امنیت انسانی نیز در میان فقر، گرسنگی و محرومیت فزاینده قابلیت تحقق ندارد (نسیاه گیاباه، ۲۰۲۴: ۱۳۷-۱۵۵).

مقاله سوم با عنوان «دموکراسی و حکمرانی» را علی ابوطالبی نوشته است. وی با استناد به گزارش خانه آزادی در سال ۲۰۱۷، اشاره می‌کند که برای دوازدهمین سال متوالی، دموکراسی در سراسر جهان کاهش یافته است. به باور وی، وضعیت دموکراسی در جهان امروز ممکن است نگران‌کننده به نظر رسد، اما نباید فراموش کرد افق بلندمدت بقا و

شکوفایی دموکراتیک نه فقط به دولت، بلکه به تأثیر جهانی سازی بر مؤلفه های موجود در روابط دولت و جامعه نیز بستگی دارد. او شکست جنبش های بهار عربی سال ۲۰۱۱ را ناشی از ضعف حکمرانی در منطقه خاورمیانه و حمایت خارجی آمریکا از رهبران این کشورها می داند. وی استدلال می کند که یک دموکراسی اسلامی می تواند برای مقابله مشروع با گرایش های فکری و گروه های ستیزه جوی مسلمان و حل تعارضات هویتی بر سر مسائل فرهنگی و ملی گرایانه در این کشورها از طریق ارائه ارزش های قانونی، نهادی، و در حالت ایدئال، غیرحزبی، هنجاری برای گروه هایی که در رقابت بر سر منابع اجتماعی - اقتصادی و قدرت سیاسی هستند، مفید و سازنده باشد (ابوطالبی، ۲۰۲۴: ۱۵۶-۱۶۸).

در مقاله چهارم، علی باقری دولت آبادی و علی ابوطالبی به بررسی «اقدامات ایران در بحث دیپلماسی فرهنگی و همکاری در اوگاندا» پرداخته اند. نویسندگان با بررسی دیپلماسی فرهنگی ایران در آفریقا طی بازه زمانی شش ماهه (از آگوست ۲۰۲۲ تا فوریه ۲۰۲۳) به این نتیجه رسیده اند که بخش عمده فعالیت فرهنگی ایران در آفریقا در کشورهای اوگاندا، آفریقای جنوبی و تونس انجام شده است. به اعتقاد آنها، در اوگاندا، ایران تحت هدایت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی موفق گردیده است روابط فرهنگی دو کشور را به شکل بی سابقه ای توسعه دهد. ایران موفق شده است به خوبی پیام انقلاب خود را به این بخش از آفریقا منتقل نماید و آنها را با معارف دینی و مذهب شیعه آشنا سازد. این امر که به مدد علاقه طرف اوگاندایی برای توسعه این روابط محقق شده است، اکنون در بخش هایی همچون گسترش زبان و ادبیات فارسی، اعطای بورسیه به دانشجویان اوگاندایی، برگزاری جلسات مذهبی و... در قالب گروه های دانش آموزان، دانشجویان، اساتید دانشگاه و حوزویان در حال پیگیری است. طبق یافته های مقاله دوری مسافت، داشتن رقبای قدرتمندی همچون عربستان و ترکیه، تبلیغات منفی علیه ایران و تحریم ها برخی از مشکلات ایران برای پیشبرد دیپلماسی فرهنگی خود در اوگاندا است (ابوطالبی و باقری دولت آبادی، ۲۰۲۴: ۱۶۹-۱۸۶).

#### ۴-۵ فصل چهارم: چالش های پیش روی جهان

در مقاله نخست، ریچارد لاگوس و اسوالدو روزالس<sup>۱</sup>، که هر دو اقتصاددان و استاد دانشگاه هستند «جهانی شدن و گزینه های پیش روی توسعه» را بررسی نموده اند. آنها در

1. Richard Lagos and Osvaldo Rosales

این پژوهش نظریه‌ی وابستگی متعلق به کاردوسو و فالتو را که بر این گزاره بنا شده که اقتصاد جهان بر مبنای یک مرکز صنعتی و یک پیرامون صادرکننده‌ی مواد خام سازماندهی شده است، در معرض آزمون قرار داده‌اند. به اعتقاد آن‌ها، در حالی که آمریکا و اتحادیه‌ی اروپا در دهه‌ی اول قرن بیست و یکم با بحران مالی دست و پنجه نرم می‌کردند، چین، آسیای شرقی و اقتصادهای نوظهور عهده‌دار دو سوم رشد اقتصادی جهان در دو دهه اول قرن بیست و یکم بودند. طبق استدلال آن‌ها، عدم توازن بین جهانی شدن و تغییرات سریع تکنولوژیک، افزایش تعداد کشورهای نوظهور و قوی در اقتصاد جهانی و عدم کارایی نهادگرایی چندجانبه برای توسعه‌ی این رویه‌ها، در حال خلق فرصت‌های جدید و اهرم‌های بی‌سابقه برای مذاکره در دست کشورهای در حال توسعه است. این به معنای این است که این کشورها همچون چین امکان ورود به مرکز صنعتی را دارند و دیگر نمی‌توان همانند چهل سال پیش بدین بود. به باور آن‌ها آمریکای لاتین از جمله مناطقی است که در صورت برنامه‌ریزی صحیح کشورهای آن این شانس را خواهند داشت که بخشی از دنیای جهانی شده شوند و عدالت اجتماعی را در این منطقه بهبود بخشند (لاگوس و روزالس، ۲۰۲۴: ۱۸۹-۲۰۵).

کلیم صدیقی در مقاله «تجارت بین‌المللی، سازمان تجارت جهانی و توسعه‌ی اقتصادی»، به بررسی ادبیات موجود در زمینه‌ی آزادسازی تجارت و تأثیر آن بر اقتصاد کشورهای در حال توسعه می‌پردازد. نویسنده نظریه‌ی مزیت نسبی را که به عنوان توجیهی برای آزادسازی تجارت جهانی تحت نظارت سازمان تجارت جهانی در نظر گرفته می‌شود، زیر ذره‌بین قرار می‌دهد و به این جمع‌بندی می‌رسد که برخلاف استدلال طرفداران آزادسازی تجارت مبنی بر اینکه کشورهای فقیر از این اقدام سود خواهند برد، چنین سیاست‌هایی ممکن است میزان آسیب‌پذیری این کشورها را افزایش دهد و کشورهای در حال توسعه را بیشتر اسیر سرمایه‌ی مالی بین‌المللی سازد. اتخاذ سیاست‌های بازار آزاد در کشاورزی همچنین به معنای کنار گذاشتن خوداتکایی و حاکمیت غذایی در این کشورهاست و ممکن است پیامدهای جدی از نظر کمبود مواد غذایی، قیمت مواد غذایی و اشتغال روستایی به همراه داشته باشد. وی نتیجه می‌گیرد که مداخله‌ی دولت در اقتصاد ملی به عنوان یک مؤلفه‌ی سیاست‌گذاری حیاتی در دستیابی به توسعه‌ی اقتصادی موفق، امری اثبات شده است. کشورهای در حال توسعه باید مسیر استراتژی اقتصادی خود را به دور از بی‌ثباتی مالی جهانی و وابستگی به بازارهای خارجی تغییر دهند و در عوض به

سرمایه‌گذاری داخلی، دستمزد و رشد اشتغال محور تکیه کنند (صدیقی<sup>۱</sup>)، ۲۰۲۴: ۲۰۶-۲۳۱).

برانکو میلانویچ در مقاله «همگرایی بزرگ: برابری جهانی و نارضایتی‌ها نسبت به آن» استدلال می‌کند که از زمان پیدایش انقلاب صنعتی در اوایل قرن نوزدهم تا تقریباً اواسط قرن بیستم، با تمرکز ثروتی که در کشورهای صنعتی غربی اتفاق افتاد، نابرابری جهانی افزایش یافت. این نابرابری در طول جنگ سرد، به اوج خود رسید. اما پس از آن، از حدود ۲۰ سال پیش، نابرابری جهانی شروع به کاهش کرده است. با این حال حتی، اگر نابرابری جهانی کاهش یابد، این بدان معنا نیست که آشفته‌گی‌های اجتماعی و سیاسی در تک تک کشورها کاهش می‌یابد. نویسنده نتیجه می‌گیرد که کاهش تدریجی موقعیت درآمد جهانی طبقات پایین و متوسط رو به پایین در غرب، به عامل قطب‌بندی‌های جدیدی در داخل این کشورها تبدیل خواهد شد. ثروتمندان در کشورهای غربی از نظر جهانی ثروتمند خواهند ماند، اما فقرا در این کشورها در نظم جهانی در حال ظهور به پایین سقوط خواهند کرد. او در مورد آفریقا پیش‌بینی می‌کند مهاجرت به خارج از این قاره، رقابت قدرت‌های بزرگ بر سر منابع آن، و تداوم فقر و دولت‌های ضعیف احتمالاً همانند گذشته در آینده آفریقا نیز وجود خواهد داشت (میلانویچ<sup>۲</sup>)، ۲۰۱۴: ۲۳۲-۲۴۲).

رابرت تریر، استاد دانشگاه دومینیکن کالیفرنیا، در مقاله «تغییرات آب‌وهوایی: گرمایش جهانی»، تغییرات آب‌وهوایی را بزرگ‌ترین بحران پیش روی دولت‌ها معرفی می‌نماید. بحرانی که هنوز برای چگونه فائق آمدن بر آن بین دولت‌ها اجماع وجود ندارد و با آمدن روسای جمهور به مسند قدرت، سیاست‌ها و تعهدات کشورهای آن‌ها نسبت به کاهش آلودگی‌ها دستخوش تغییر می‌گردد. او از ترامپ به عنوان یک نمونه بارز در این خصوص یاد می‌کند که هم استانداردهای وضع شده برای آلایندگی ماشین‌ها در کشورش را تغییر داد و هم از معاهده آب‌وهوایی پاریس خارج شد. نویسنده با ناامیدی از دولت‌ها برای انجام اقدامی شایسته، مخاطب خود را شهروندان عادی قرار می‌دهد و از آن‌ها می‌خواهد با تغییر در سبک زندگی خود و انجام برخی اقدامات فردی مانع گرم‌تر شدن کره زمین و تولید آلاینده‌های جدید شوند. او این کار را بخشی از تعهد نسل کنونی به نسل آینده و بخشی از مسئله توسعه پایدار و حقوق بشر می‌خواند. به اعتقاد وی، اگر ما یاد بگیریم در

1. Siddiqui  
2. Branko Milanovic

چارچوب محدودیت‌های زیست‌محیطی کرهٔ زمین زندگی کنیم، می‌توانیم اثرات مخرب تغییرات آب‌وهوایی بر محیط‌زیست را محدود کنیم (تریر<sup>۱</sup>، ۲۰۲۴: ۲۴۴-۲۶۳).

## ۶. نقد کتاب و یافته‌ها

### ۱-۶ نقد شکلی

نخست این که؛ چون مقالات کتاب از آثار متعددی جمع‌آوری و کنار هم چیده شده‌اند، در ارجاع‌دهی درون‌متنی و پایانی از الگوی واحدی پیروی نمی‌کنند. این امر موجب گردیده است تا شاهد تنوع در شیوهٔ رفرنس‌دهی در کل کتاب باشیم (نک: ابوطالبی، ۲۰۲۴: ۱۳۷، ۲۰۶، ۲۴۴). امری که از جذابیت بصری کتاب می‌کاهد و گاه خواننده را برای یافتن مرجع یک ادعا و مطلب دچار مشکل می‌سازد.

دوم این که؛ برخی از مقالات به ویژه مقالات فصل اول کتاب دارای رفرنس درون‌متنی و پایانی نیستند و این امر برای یک اثر علمی زیننده نیست (ابوطالبی، ۲۰۲۴: ۳-۶۳). علت این اشکال نیز به ماهیت این مقالات بازمی‌گردد. این مقالات در اصل تحلیل سیاسی هستند و پیش‌تر در فصلنامه‌های کاربردی همچون *فارن افرز* (سیاست خارجی) به چاپ رسیده‌اند تا نقدهایی را به سیاست دولت آمریکا وارد نمایند یا پیشنهادهایی برای اصلاح برخی امور ارائه دهند.

سوم این که؛ با وجود این که گردآورندهٔ اثر از تصاویر گرافیکی و عکس برای جذابیت بصری بیشتر کتاب و انتقال بهتر مفاهیم استفاده نموده است (ابوطالبی، ۲۰۲۴: ۲۲، ۳۶، ۹۴)، اما این سیاست در کل اثر و مقالات دیده نمی‌شود. از این رو، هر چقدر از ابتدای کتاب به سمت پایان حرکت می‌کنیم با وجود احساس نیاز به تصویر و نقشه، از تعداد تصاویر گرافیکی و عکس‌ها کاسته می‌شود.

چهارم این که؛ در برخی مقالات، نویسندگان از مطالعهٔ مباحثی در صفحات و یا فصول قبل (کارن و دیگران، ۲۰۲۴: ۱۴۶، ۲۵۸؛ تریر، ۲۰۲۴: ۲۶۷) و بعد (نای، ۲۰۲۴: ۱۷) سخن می‌گویند؛ حال آنکه چنین فصول و صفحاتی در کتاب حاضر وجود ندارد و بهتر بود گردآورندهٔ اثر یا این جملات را ویرایش می‌کرد و یا اشاره‌ای در این خصوص در زیرنویس می‌نمود تا خواننده دچار سردرگمی نشود.

پنجم این که؛ در هیچ یک از فصل‌های کتاب حتی در مواردی که خود گردآورنده اثر به عنوان نویسنده نیز مشارکت داشته است (ابوطالبی، ۲۰۲۴: ۸۱، ۱۰۲، ۱۵۶، ۱۶۹)، مقالات دارای چکیده نیستند. این شیوه برای کتابی که مشتمل بر ۱۷ مقاله است اقدامی شایسته و بجا محسوب می‌شود و به آن قالب کتاب و نه مجموعه مقالات می‌دهد. اما نباید فراموش کرد که شرط این کار هماهنگی کل اثر در این مورد خاص است. با این حال در یک مورد که مربوط به مقاله پانزدهم است (ابوطالبی، ۲۰۲۴: ۲۰۶)، نویسنده برای مقاله چکیده نیز ذکر کرده که موجب شده است متن کتاب از حالت یکدست بودن و انسجام شکلی خارج شود.

#### ۲-۶ نقد محتوایی

##### توان نظری و دلالت‌های کاربردی

در بررسی آثار علمی یکی از ملاک‌های ارزیابی، بررسی میزان طرح نظریه‌های جدید یا به آزمون گذاشتن نظریه‌ها توسط نویسنده است تا صحت و سقم نظریه‌ها سنجیده شود. اساساً خاصیت نظریه این است که به بیان جان واسکز<sup>۱</sup>: «شناخت را در یک هم نهاد ترکیب می‌کنند و جهان را با ایجاد ارتباط میان پدیده‌هایی که ظاهراً نامرتبط و بی‌معنا هستند، برای ما معنادار می‌کنند. پس به میزانی که پژوهش‌های علمی از رویکردهای نظری برخوردار باشند، می‌توان آن‌ها را در تحلیل و تبیین وقایع و حتی پیش‌بینی آینده موفق‌تر دانست» (باقری دولت‌آبادی و سجادی‌نسب، ۱۳۹۸: ۹۶۴). مقالات گردآوری شده در کتاب حاضر به جز دو مورد مابقی فاقد رویکرد نظری هستند. در مقاله اول، جوزف نای درصدد توضیح مفهوم قدرت، تفاوت آن با نفوذ و دسته‌بندی‌های مختلف آن با ذکر مثال‌های مختلف برآمده است (نای، ۲۰۲۴: ۳-۲۱) و در دومی، نویسندگان تلاش کرده‌اند تا اقدامات فرهنگی ایران در اوگاندا را با کاربست نظریهٔ پخش<sup>۲</sup> تحلیل نمایند (ابوطالبی، ۲۰۲۴: ۱۶۹-۱۸۶). کمرنگ بودن نقش نظریه در تحلیل مسائل مهم سیاست جهانی موجب گردیده است تا اثر نتواند به خواننده نظریه‌ای جدید یا کاربست نظریه‌ای را توضیح دهد و در حد تحلیل و نه تبیین موضوعات سیاسی مختلف باقی بماند.

1. john vasquez  
2. Diffusion Theory

### انسجام محتوایی و ساختاری

لاکتا و دراکولیچ<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) معتقدند که نگارش باید با استفاده از روشناسی نظام‌مند، ساختار و نظم منطقی فصول و بخش‌ها باشد. در کتاب‌هایی که جنبهٔ گردآوری دارد، نویسندگان مختلف که عموماً همفکر هستند و یا دیدگاه‌هایی نزدیک به هم دارند یک بحث را از زوایای مختلف بررسی می‌کنند. از این رو، محتوای فصول خاصیت تقویت استدلال‌های فصول قبلی یا بعدی را دارند تا یک پیام را به خواننده منتقل کنند. در چنین کتاب‌هایی، با آوردن استدلال‌های مختلف خواننده با زوایای گوناگون یک موضوع آشنا می‌گردد. اثر حاضر چنین رسالتی را ایفا نمی‌نماید. در عوض، مجموعه‌ای از مقالات در آن دیده می‌شود که گاه دیدگاه‌های صددرصد متناقض و متضاد را بیان می‌کنند. برای مثال در حالی که اثر جان ایکنبری (۲۰۲۴: ۲۲-۳۵) و مقالهٔ بروکز و ولفورث (۲۰۲۴: ۳۵-۴۹) می‌کوشند اثبات نمایند ابرقدرتی آمریکا رو به افول نیست و چین قادر به ایفای نقش رهبری جهان نمی‌باشد؛ مقالهٔ جیمز پتراس (۲۰۲۴: ۴۹-۶۳) تلاش می‌کند اثبات نماید رویه‌ای که آمریکا در جهان در پیش گرفته امپراتوری است و این کشور به سرنوشت امپراتوران سابق (پرتغال، هلند و انگلیس) دچار خواهد شد. همچنین، درزنر (۲۰۲۴: ۱۱۳-۱۲۲) توضیح می‌دهد که برخی اقدامات آمریکا در جهان به نشر بدبینی در بین سایر قدرت‌های بزرگ کمک نموده و این امر برای جهان خطرناک است و حتی می‌تواند به گفتهٔ نویسندگان مقالهٔ «بازگشت روز قیامت» آتش جنگ هسته‌ای را روشن نماید (مونیز و نون، ۲۰۲۴: ۹۲-۱۰۱). البته ممکن است این ویژگی نوعی حسن نیز برای کتاب در نظر گرفته شود، اما نباید فراموش کرد که چنین دیدگاه‌های متضادی برای آن دسته از خوانندگان که مطالعات عمیق و سابقه‌دارتری دارند می‌تواند بیشتر مفید باشد و قدرت انتقاد و چالشگری ذهنی آن‌ها را تقویت نماید، ولی برای دانشجویان مقطع کارشناسی و یا افراد عادی می‌تواند به سردرگمی در نتیجه‌گیری بینجامد.

### جامعیت و روزآمدی

هرچند علی ابوطالبی جدیدترین و به‌روزترین کتاب را در عرصهٔ سیاست جهانی عرضه کرده است؛ دو نقد بر کتاب وارد است: نخست این که، بعضی موضوعات جدید در سیاست جهانی پوشش داده نشده است. برای مثال، طی یک دههٔ گذشته بحث هوش

1. Laketa and Drakulic

مصنوعی به یکی از موضوعات داغ روابط بین‌الملل تبدیل شده است و نویسندگان سرشناس کتاب‌های بسیاری درباره آن منتشر کرده‌اند (نک: کیسینجر و دیگران، ۲۰۲۱؛ تینیرلو<sup>۱</sup>، ۲۰۲۲). اما در مجموعه مقالات انتخاب شده در کتاب پیش رو این موضوع مغفول مانده است و خواننده از ابعاد تأثیرگذاری هوش مصنوعی بر سیاست جهانی آگاه نمی‌گردد. همچنین، حضور و تأثیرگذاری بازیگران غیردولتی در عرصه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل از جمله موضوعات مورد علاقه پژوهشگران و علاقمندان به سیاست جهانی است (چارونتاکس کورتلس و ایررا<sup>۲</sup>، ۲۰۲۴ و ۲۰۲۲) که در تحلیل‌های ارائه شده در این کتاب چندان به آن توجه نشده است. ضعف دیگر در این خصوص به محتوای برخی از مقالات کتاب (نک: ابوطالبی، ۶۲-۴۹؛ ۷۸-۶۳؛ ۹۲-۱۰۱) بازمی‌گردد که نشان می‌دهد این فصول مطابق با تحولات رخ داده پس از چاپ اول اثر (۲۰۱۹) به روز رسانی نشده است و این امر باعث می‌گردد تا خواننده نیاز یابد آثار دیگری را در کنار این مقالات مطالعه نماید تا بتواند تصویر کامل‌تری از موضوع را در ذهن خود ترسیم نماید.

دوم این که، تحلیل‌های ارائه شده در برخی مقالات سطحی یا ناکافی به نظر می‌رسند و به طور جامع و عمیق به بررسی مسائل پیچیده نپرداخته‌اند. برای مثال اگرچه جوزف نای به تعریف مفهوم قدرت در سیاست جهانی پرداخته است، اما ممکن است این تعریف در کاربردهای عملی قدرت و در زمینه‌های مختلف سیاسی نارسا باشد (نای، ۲۰۲۴: ۲۱-۳). همچنین، مقاله جیمز پتراس اگرچه به نقد جنگ‌های امپریالیستی آمریکا می‌پردازد اما تحلیل ارائه شده از سوی وی پیامدهای این جنگ‌ها بر مردمان کشورهای درگیر این جنگ‌ها و منطقه را به خوبی توضیح نمی‌دهد (پتراس، ۲۰۲۴: ۴۹-۶۳). این ضعف عموماً به فقدان چارچوب نظری، عدم توجه به زمینه‌های تاریخی - فرهنگی و تلاش نویسندگان برای ساده‌سازی مسائل پیچیده بازمی‌گردد که برداشت‌های ناقص و گاه نادرست از واقعیات را برای خواننده ایجاد می‌کند.

#### تخصص‌گرایی و هدفمندی موضوعی

طبق شاخص‌های منصوریان (۱۳۹۲: ۴)، یک کتاب دانشگاهی باید یک موضوع خاص را دنبال نماید و هدف روشنی داشته باشد. هرچند در اثر حاضر یک موضوع خاص دنبال

1. Tinnirello  
2. Charountaki Kourtelis & Irrera

نمی‌شود، می‌توان گفت محور تمامی مقالات سیاست جهانی است و مطالب ارائه شده در هر فصل هدف آن فصل را دنبال می‌نماید و این اثر می‌تواند سرفصل دروس مصوب وزارت عتف را برآورده سازد.

#### *توان استنادی و ماهیت بینارشته‌ای*

همانگونه که گراهام آلن<sup>۱</sup> (۱۴۰۰) در نظریهٔ بینامتنیت<sup>۲</sup> توضیح می‌دهد که هیچ اثری بدون توجه به آرا، و اندیشه‌های دیگران تولید نمی‌شود و منصوریان (۱۳۹۲: ۷) نیز در شاخص‌های خود به توان استنادی و ماهیت بینارشته‌ای به عنوان یک شاخص مطلوب اشاره می‌کند، کتاب حاضر به خوبی توانسته است هم از آراء و نظرات مختلف بهره‌گیرد و هم این که در متن مقالات آثار سایر نویسندگان نقد شود.

#### *صلاحیت و کارنامهٔ پدیدآورندگان*

گردآورنده و نویسندهٔ اثر علی ابوطالبی، استاد دانشگاه ویسکانسین، نزدیک به ۳۵ سال در مؤسسات آموزش عالی دولتی و خصوصی، دروسی همچون مقدمه‌ای بر سیاست جهانی، اقتصاد سیاسی بین‌المللی، حقوق و سازمان‌های بین‌المللی را تدریس نموده و با آگاهی از ضعف‌های موجود در آثار پیشین کوشیده است اثری را گردآوری نماید که از هر لحاظ جامع و کامل باشد و بتواند «درک دانشجویان از اهمیت سیاست جهانی و تأثیر گستردهٔ امور جهانی بر زندگی آن‌ها» را بیشتر سازد (ابوطالبی، ۲۰۲۴: مقدمه). او نه تنها ۴ مقاله از مجموع ۱۷ مقاله را نوشته است بلکه از سرشناس‌ترین نظریه‌پردازان و پژوهشگران حوزهٔ روابط بین‌الملل بهره‌برده است که برای اساتید و دانشجویان ایرانی نام‌آشنا هستند.

#### *ماهیت تعاملی و توان انگیزشی*

یکی از نقاط قوت یک اثر که در شاخص‌های منصوریان (۱۳۹۲: ۱۴) نیز بر آن تأکید شده است، تعامل بین نویسندگان و خوانندگان است. این تعامل برعکس گذشته که بسیار دشوار و پرهزینه بود، امروزه در بسترهای مجازی بهتر و آسان‌تر می‌تواند صورت پذیرد. نویسنده و گردآورندهٔ اثر با وجود اقامت در آمریکا، حضور فعال رسانه‌ای در ایران داشته و با

---

1. Graham Allen  
2. Intertextuality

مخاطبان آثار خود در ارتباط است. برای مثال یکی از نقاط قوت اثر، وجود جداول و نمودارهایی است که به فهم بهتر و دقیق‌تر موضوع کمک می‌نمایند و تقریباً در بیشتر مقالات کتاب می‌توان آن را یافت. اما در برخی بخش‌های کتاب و با وجود این که ضرورت آن احساس می‌شود این کار انجام نشده است. مثلاً در یک مورد نویسنده اشاراتی به سرزمین‌های متعلق به فلسطین و اسرائیل و درصدهای مربوط به مالکیت هر یک می‌نماید که لازمه آن نمایش این درصدها بر روی نقشه و نشان دادن موقعیت این سرزمین‌هاست، حال آنکه در متن هیچ تصویری دیده نمی‌شود (ابوطالبی، ۲۰۲۴: ۸۲). این نکته پس از مطالعه کتاب در ایمیلی به نویسنده منتقل گردید و ایشان اشکال وارد شده را پذیرفتند و قول اصلاح آن در نسخه‌های بعدی را دادند.

#### ویژگی‌های فیزیکی و توان انگیزشی

کتاب در قطع رقعی و با کاغذ باکیفیت روانه بازار گردیده است و صفحاتی که دارای عکس و تصویر است به صورت رنگی چاپ شده است. اندازه و قطع کتاب موجب گردیده است اثر خوش‌دست، چشم‌نواز و جذاب باشد و از قدرت ماندگاری بالایی برخوردار شود. حتی نویسنده و گردآورنده اثر سعی نموده است تا ترتیب مقالات را به گونه‌ای تنظیم کند که نوعی پیوستگی در کار دیده شود و خواننده احساس نکند با مجموعه‌ای از مقالات پراکنده و بی‌ربط سروکار دارد. از این رو، محتوا و ظاهر کلی کتاب کسل‌کننده و بی‌روح نیست و به خوبی می‌توان درک کرد که چگونه گردآورنده اثر با وسواس و دقت مقالات را از بین مجموعه متنوعی از آثار گزینش کرده است.

با وجود محاسن فوق، طرح جلد کتاب چندان مناسب به نظر نمی‌رسد. برعکس چاپ اول کتاب که برای رنگ طرح جلد، آبی آسمانی انتخاب شده بود، رنگ طرح جلد چاپ دوم کتاب مشکی است که جذابیت بصری برای خواننده ایجاد نمی‌کند و سرد و بی‌روح است. همچنین، در چاپ اول تصویر واضحی از کره زمین بر روی جلد نقش بسته که شبکه‌ای متداخل و درهم‌تنیده از روابط آن را به شکل دیجیتال پوشش داده که گویای وابستگی متقابل کشورها در دنیای پیش رو است. در چاپ دوم، اگرچه به لحاظ محتوایی با تصویری نزدیک به تصویر قبلی تلاش شده است همان پیام منتقل شود، اما عکس انتخاب شده جذابیت بصری لازم را ندارد و جهانی تاریک را پیش چشم خواننده ترسیم می‌سازد.

### پاکیزگی نگارشی و ادبی

یکی از ویژگی‌های یک کتاب دانشگاهی موفق، روان و سلیس و خالی از ابهام بودن آن است (منصوریان، ۱۳۹۲: ۱۱). برای این کار نویسندگان از روش‌های مختلفی استفاده می‌کنند. یکی از این روش‌ها کوتاه‌نویسی جملات و استفاده از مثال و تمثیل در متن کتاب است. اثر گردآوری شده توسط علی ابوطالبی، فاقد هرگونه اغلاط تایپی و یا نیاز به اعمال نکات ویرایشی است و متن به شکلی ساده و روان از ابتدا تا انتها پیش می‌رود. این امر گویای این است که کتاب چندین نوبت بازخوانی و ویرایش شده است که در نوع خود اقدامی شایستهٔ تحسین است.

### همخوانی با نظریه‌های یادگیری

طبق معیار منصوریان (۱۳۹۲: ۱۳) «کتاب دانشگاهی ماهیتی آموزشی دارد و قرار است دانش، تخصص، یا مهارت مشخصی را به خواننده بیاموزد یا او را به پیگیری موضوع تشویق کند. بنابراین، لحن و شیوهٔ بیان نویسنده باید تا آنجا که ممکن است با نظریه‌های یادگیری و توصیه‌های عملی این نظریه‌ها همخوانی داشته باشد». کتاب «برگزیده‌هایی دربارهٔ سیاست جهانی» به لحاظ شکلی از چند جهت دارای ویژگی‌های ممتاز و منحصر به فرد است. نخست این که؛ برخلاف کتاب‌های دانشگاهی منتشر شده به فارسی که اغلب در آن جای تصویر و عکس خالی است و خواننده با متنی پیوسته و کسل‌کننده مواجه می‌گردد، در این کتاب به فراخور مباحث، گردآورنده از انواع مختلف عکس شامل عکس‌های واقعی و گرافیکی بهره برده است. این تصاویر به ویژه تصاویر گرافیکی نقش مؤثری در انتقال مفاهیم ایفا می‌کنند. چراکه خواننده را به تفکر و تعمق در تصویر وامی‌دارند و ذهن او را درگیر تجزیه و تحلیل می‌سازند. دوم این که؛ نویسندگان مقاله‌ها کوشیده‌اند در جای جای کتاب از جداول و آمارهای گوناگون برای استحکام بخشیدن به استدلال خود استفاده کنند. وجود این جداول، چکیده‌ای از مباحث را در اختیار خواننده قرار می‌دهد و فرصتی برای او فراهم می‌آورد تا دست به مقایسهٔ داده‌ها بزند و نتایج خود را با یافته‌های مقاله تطبیق دهد.

سوم این که؛ برای خودارزیابی خواننده در پایان هر فصل سؤالاتی طراحی شده است. این سؤالات علاوه بر این که محکی برای خواننده هستند، به مدرسان کتاب کمک می‌کنند تا برای آزمون نهایی، نمونه سؤالاتی در اختیار داشته باشند. علاوه بر این، کتاب

دارای منابع کافی و معتبر برای مطالعه و تحقیق در زمینه سیاست جهانی است. نویسندگان آثار کوشیده‌اند به جدیدترین مقالات منتشر شده به صورت الکترونیک یا فیزیکی ارجاع دهند و به نقد دیدگاه‌های مطرح شده بپردازند.

## ۷. نتیجه‌گیری

کتاب «گزیده‌هایی درباره سیاست جهانی» را بیشتر اثری آموزشی باید دید تا پژوهشی. نویسنده کتاب به خوبی توانسته است مجموعه‌ای از مقالات را با وسواس و دقت در سه گروه قدرت‌های بزرگ و مسائل مهم بین‌المللی، منابع منازعه و منابع صلح گردآوری نماید. این کتاب بیشتر مناسب دانشجویان مقطع کارشناسی علوم سیاسی و مسائل امنیتی - استراتژیک است تا دانشجویان تحصیلات تکمیلی. هرچند که مطالعه آن، به ویژه فصل اول، برای دانشجویان دسته اخیر نیز خالی از لطف نخواهد بود. همچنین، برخی از موضوعات مطرح شده در این کتاب به نسبت آثار منتشر شده پیشین، نو و ابتکاری هستند و خواننده را با دنیای جدیدی آشنا می‌سازند. برای مثال، همواره دانشجویان علوم سیاسی از مزیت‌های دموکراسی و جایگاه افکار عمومی در آن شنیده‌اند؛ اما درباره این که در خود دموکراسی‌های غربی ممکن است افکار عمومی به راحتی دستکاری شود تا گروهی در قدرت باقی بمانند و یا منافع خود را پیش برند، کمتر بحث شده است. همچنین، آن‌ها کمتر درباره شیوه‌های انجام این کار در رسانه‌های غربی خوانده و شنیده‌اند. علاوه بر این، برای دانشجویان رشته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران، موضوعات محیط‌زیستی تازه و نو هستند و این مباحث می‌تواند افق ذهنی آن‌ها نسبت به تهدیدات پیش روی دولت‌ها در حال و آینده را بازتر نماید. این دست مباحث و اصرار گردآورنده اثر برای رفتن به سراغ نویسندگان سرشناس و مطرح در هر حوزه، برجستگی خاصی به کتاب می‌بخشد که آن را شایسته ترجمه و توجه می‌سازد. با وجود برجستگی‌های فوق، این کتاب با کاستی‌هایی نیز مواجه است که شامل عدم عمق تحلیل در برخی مقالات، عدم پرداختن به جزئیات مهم و نادیده گرفتن موضوعات نوین مانند هوش مصنوعی و بازیگران غیردولتی و تأثیرات آن‌ها بر سیاست جهانی است. همچنین، مقاله‌های انتخاب شده فاقد سؤالات پژوهشی و فرضیه‌های مشخص، و دارای کاستی‌هایی در زمینه ارجاع‌دهی و شکل و ساختار هستند که می‌تواند به غنای علمی اثر آسیب بزند. به نظر می‌رسد رفع اشکالات شکلی و محتوایی برشمرده شده برای چاپ‌های بعدی کتاب می‌تواند آن را برای خوانندگان جذاب‌تر و سودمندتر سازد.

## منابع

- آلن، گراهام (۱۴۰۰)، *بینامتنیت*، ترجمهٔ پیام یزدان‌جو، تهران: مرکز. ابراهیمی‌فر، طاهره (۱۳۸۸)، *سیاست بین‌الملل*، تهران: جهاد دانشگاهی.
- باقری دولت‌آبادی، علی؛ سجادی‌نسب، سجاد (۱۳۹۸)، «جایگاه مطالعات جنوب شرق آسیا در پژوهش‌های دانشگاهی و آسیب‌شناسی آن»، *فصلنامهٔ سیاست*، دورهٔ ۴۹، شمارهٔ ۴، صص ۹۷۸-۹۵۹.
- برزگر، افشین (۱۳۸۸)، *دانشتنتی‌های سیاست: دانش روابط بین‌الملل (هدف، موضوع و روش)*، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- راست، بروس؛ استار، هاروی (۱۳۸۱)، *سیاست جهانی: محدودیت‌ها و فرصت‌های انتخاب*، ترجمهٔ علی امیدی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- رحیمی‌نژاد، ویدا (۱۴۰۲)، «ارزیابی و نقد کتاب درسی دانشگاهی نمایشنامهٔ قرن ۱۷ تا ۲۰ بر اساس معیار ده‌گانهٔ منصوریان»، *پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی*، سال ۲۷، شمارهٔ ۵۲، صص ۲۴۳-۲۶۳.
- ساتچ، پیتر؛ الیاس، جوانیتا (۱۳۹۴)، *بنیادهای روابط بین‌الملل*، ترجمهٔ مجید محمدشریفی، تهران: میزان.
- سیف‌زاده، سید حسین (۱۳۷۸)، *اصول روابط بین‌الملل*، تهران: دادگستر.
- عسگرخانی، ابومحمد (۱۳۸۳)، *رژیم‌های بین‌المللی*، تهران: مؤسسهٔ تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۲)، *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، تهران: سمت.
- کاربوف ژولیه؛ رای، جیمزلی (۱۳۹۲)، *سیاست جهانی: نظریه، بازیگران و تعاملات امنیتی*، ترجمهٔ قدرت احمدیان و فرهاد دانش‌نیا، تهران: مرکز ملی جهانی‌شدن.
- مورگنتا، هانس (۱۳۸۴)، *سیاست میان ملت‌ها: تلاش در راه قدرت و صلح*، ترجمهٔ حمیرا مشیرزاده، چاپ سوم، تهران: وزارت امور خارجه.
- منصوریان، یزدان (۱۳۹۲)، *صد ویژگی کتاب‌های دانشگاهی کارآمد و اثربخش*، پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شمارهٔ ۲۹، صص ۱-۱۷.
- والس، کنت (۱۳۹۷)، *نظریهٔ سیاست بین‌الملل*، ترجمهٔ عباس زمانیان، تهران: نی.
- هالستی، کی.جی (۱۳۹۲)، *مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل*، ترجمهٔ بهرام مستقیمی و مسعود طارم‌سری، تهران: وزارت امور خارجه.
- هیل، کریستوفر (۱۳۸۷)، *ماهیت متحول سیاست خارجی*، ترجمهٔ علی طیب و وحید بزرگی، تهران: پژوهشکدهٔ مطالعات راهبردی.

- Abootalebi, Ali A. (2024), *Global Politics Reader: Themes, Actors and Issues*, U.S: Cognella.
- Brown, C. (1992), *International Relation Theory: New Normative Approach*, New York: Columbia University Press.
- Carr, Edward Hallet (1939), *The Twenty Years' Crisis 1919-1939: An Introduction to the Study of International Relations*, London: Macmillan.
- Charountaki, Marianna; Irrera, Daniela (2022), *Mapping Non-State Actors in International Relations*, Switzerland: Springer Cham.
- Charountaki, Marianna; Kourtelis, Christos; Irrera, Daniela (2024), *Non-State Actors and Foreign Policy Agency*, Switzerland: Springer Cham.

- Kissinger, Henry A.; Schmidt, Eric; Huttenlocher, Daniel (2021), *The Age of AI: And Our Human Future*, New York: Little, Brown and Company.
- Laketa, S., Drakulić, D. (2015), "Quality of Lessons in Traditional and Electronic Textbooks," *Interdisciplinary Description of Complex Systems*, Vol.13, No.1, pp.117-127.
- Rosenau, James (1982), "Order and Disorder in the Study of World Politics" in Maghroori and Ramberg (eds), *Globalism Vs Realism*, Boulder, Co: Westview Press.
- Tayyar, Ari (2018), *Theories of International Relations*, Turkey: Anadolu University.
- Tinnirello, Maurizio (2022), *The Global Politics of Artificial Intelligence*, New York: Routledge.